

## آسیب‌شناسی مهدویت

حجت الاسلام والمسلمین خدامراد سلیمیان\*

### اشاره

با وجود دشمنی‌های فراوان در برابر ترویج آموزه‌های دینی، به‌ویژه مباحث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در دوران معاصر، توجه به باور مهدویت روزبه‌روز در حال گسترش است. علاقه روزافزون و احساس نیاز در عرصه‌های عقلی و عاطفی، ضمن این‌که امر بسیار مبارکی است، سبب شده تا در کنار آموزه‌های اصیل و عمیق، گاهی نیز انحراف‌هایی سر برآورده، چند صباحی توجه برخی انسان‌های ساده‌انگار و یا مغرض را به خود جلب نماید.

بررسی انحرافات، کاری بس شایسته، ضروری و مشکل می‌نماید؛ اما از آنجایی که بررسی فراگیر آن نیازمند آثار گسترده است، از این رو، مناسب‌تر دیده شد تا به ارائه مباحث کلی در این باره بسنده شود.

### عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی

در پیدایش جریان‌های کژرو، به طور عمده، دو دسته عامل قابل بررسی است: عوامل پدیدآورنده و عوامل استمرار بخش.

#### الف. عوامل پدیدآورنده

مهمترین عوامل پدیدآورنده جریان‌های انحرافی در مهدویت عبارت‌اند از:

##### ۱. ناآگاهی توده مردم

به همان اندازه که دانش و آگاهی زندگی انسان را روشن می‌کند و انسان را از بیراهه و کجراهه دست‌گیری می‌کند، نادانی و ناآگاهی سبب فروافتادن انسان در بیراهه‌ها می‌شود. عوامل و افراد جریان‌ساز انحرافی، همواره از این نبود دانش و آگاهی

---

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی.

افراد بیشترین بهره را برده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوْائِسُ»<sup>۱</sup> بر آگاه به زمان خویش هرگز امور شبهه‌ناک هجوم نبرد.

آموزه‌های دینی، به‌ویژه آیات نورانی قرآن، همواره انسان‌ها را به فراگیری دانش‌های والا فرا خوانده و نادانی را نکوهش و نادانان را سرزنش کرده است. علی علیه السلام در سخنی ارزشمند فرمود: «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ تُرْشِدُوا»<sup>۲</sup> دانش بجوید تا به رشد برسید.

آگاهی‌های معتبر در عرصه مهدویت و آموزه‌های اصیل آن، سبب می‌شود تا علاقه‌مندان هرگز فریب افراد منحرف را نخورده، خود را از این جریان‌ها دور نگه دارند؛ به عنوان نمونه، ناآگاهی از حقیقت جهانی شدن اسلام و شیوه غلبه دین اسلام در حکومت مهدوی که در قرآن مطرح گردیده است، باعث شده برخی از افراد ناآگاه جذب شبه‌عرفان‌هایی شوند که هم اکنون در کشور فعال‌اند. این گروه‌ها ظهور را امری کاملاً زمینی دانسته و نقش اراده الهی را نادیده می‌گیرند و در همین راستا، منکر برخی آموزه‌های مربوط به دوران ظهور می‌شوند.

## ۲. آشفته‌گی‌های اجتماعی و اقتصادی

مهدویت به دلیل نوع نگاه به آینده و امیدبخشی، همواره بر دردهای انسان‌های ستم‌دیده و فرودست التیامی بوده؛ اما گاهی نگاه به این کارکرد با افراط‌هایی روبه‌رو بوده است؛ به‌ویژه دوره‌هایی که برخی عوامل، وضعیت افراد را در عرصه اجتماعی و اقتصادی دچار آشفته‌گی کرده است. مردم در این آشفته‌گی در پی پناهگاهی هستند. از این رو، گاهی هر دارویی را بر درد خویش تجربه می‌کنند؛ بدون آن‌که فکر کنند آنچه درمان می‌پنداشته‌اند، خود دردی بر دردهای آن‌ها است.

برخی انسان‌های شیاد با سوء استفاده از این حالت افراد و جایگاه مهدویت در چشم آنان، اهداف شیطنت‌آمیز خود را دنبال می‌کنند و با القای برخی ذکرها و وردها و نقل برخی حکایت‌های ساختگی، در پی جذب افراد آماده هستند.

## ۳. زیاده‌خواهی

زیاده‌خواهی و فزون‌طلبی، از صفات ناشایستی است که برخی انسان‌ها را به هر کاری وا می‌دارد. برخی را در جریان‌سازی‌های اقتصادی و برخی دیگر را در جریان‌سازی‌های

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۶.

۲. آمدی، غررالحکم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش، ص ۶۳، ش ۷۷۴.

دینی سوق می‌دهد. علاقهٔ بیش از حد برخی ساده‌اندیشان، به مباحث سطحی، عرصه را بر افراد فرصت‌طلب باز می‌کند، تا نهایت بهره را ببرند. نمونه‌های فراوانی از این زمینه در کسانی که پس از مدتی فعالیت و در پی روشنگری دانشمندان دینی به دست قانون گرفتار می‌شوند، به چشم می‌خورد.

#### ۴. نابسامانی برخی متون

منابع و متون مهدوی، در طول تاریخ، فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. با وجود همت بلند بزرگان دین و دانشمندان شیعه، کم و بیش برخی از این منابع از دستبرد برخی افراد دنیاطلب در امان نمانده و برخی مطالب نادرست در آن وارد شده است و متأسفانه، این خود دستاویزی برای جریان‌سازان جریان‌های انحرافی شده است. که در برخی سخنان معصومان علیهم‌السلام توجه به محتوای روایت تأکید شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِيهِ؛<sup>۱</sup> یک روایتی که خوب آن را بفهمی، بهتر است از هزار روایت که فقط آن‌ها را نقل کنی.»

امروزه برخی منابع و کتاب‌هایی که نویسندگان آن‌ها به طور قطع روشن نیست و یا روایات غیر معتبر، دستاویزی برای منحرفان است.

#### ۵. حمایت دشمنان

از آنجایی که باور به مهدی موعود علیه‌السلام نقش بی‌مانندی در به حرکت درآوردن جوامع به سوی ظلم‌ستیزی دارد، همواره دشمنان به هر اقدامی در برابر این باور دست زده‌اند که از جریان‌سازی‌های انحرافی به عنوان شاخص این اقدام‌ها می‌توان یاد کرد. نمونه‌های تاریخی این شیطنت، بر هیچ آگاهی پوشیده نیست. در دوران معاصر، این فعالیت بسیار چشم‌گیرتر از گذشته است.

روابط متقابل فرقه‌ها و مدعیان دروغین با استعمار و استبداد، در هر زمان شواهد متعددی دارد؛ از جمله وابستگی و ارتباط متقابل بهائیت و قدرت‌های استکباری که از آغاز رسمیت یافتن این فرقه مشهود بوده است؛ اما در اینجا فقط به یکی از گزارش‌های فراوانی که روشنگر این روابط و دلدادگی‌ها است، بسنده می‌کنیم:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق. ج ۲، ص ۸۴.

بهایان شادمانی خود را از این‌که رژیم اشغالگر قدس موفق به ساختن برخی از سلاح‌های کشتار جمعی نظیر بمب اتمی شده است، پنهان نمی‌دارند. از این‌که یک یا دو یهودی بهایی‌شده در جمع سازندگان این‌گونه بمب‌ها حضور دارند، به خود می‌بالند؛ اما همین بهاییان ایرانی، امروزه در کانال‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیویی که آمریکاییان در اختیارشان گذاشته‌اند، تلاش دانشمندان ایرانی برای دستیابی به دانش اتمی را «دادن تیغ به کف زنگی مست» معرفی می‌کنند و همراه متحدشان صهیونیسم به جار و جنجال جهانی روی می‌آورند.<sup>۱</sup>

### ب. عوامل استمراربخش

مهم‌ترین عواملی که به استمرار انحرافات در مهدویت می‌انجامد، عبارت‌اند از:

#### ۱. اباحی‌گری و تکلیف‌گریزی

برخی از انحرافات، با عبور از خط قرمزهای دین باعث می‌شود هواداران، خود را در ورطه اباحی‌گری و بی‌بندوباری ببینند از آن‌که این خود سبب دوام این جریان‌ها می‌شود. نمود روشن این عامل، در پرهیز هواداران از تقلید و پیروی از مراجع بزرگ تقلید است که گاهی تا آن‌جا پیش می‌رود که خود را برتر از علما و دانشمندان دینی می‌پندارند.

و از آن‌جایی که برخی انسان‌ها دوست دارند بدون هیچ قید و بندی زندگی کنند، تمایل فراوانی به این جریان‌ها پیدا می‌کنند. برخی جوان‌هایی که به مسیحت تمایل یافته‌اند، نبود حجاب در زنان و دختران را سبب گرایش خود گفته‌اند که آزادانه می‌توانند به آن‌ها نگاه کنند.

#### ۲. حمایت برخی خواص

برخی از جریان‌های انحرافی بشدت به برخی ظواهر توجه می‌کنند؛ به گونه‌ای که در مواردی و بعضی خواص را نیز دچار تردید می‌کنند و در برخی امور حمایت آن‌ها را نیز جلب می‌کنند که این خود سهم فراوانی در بقا و استمرار این جریان‌ها دارد؛ کسانی که به دور از زیرکی‌های یک مؤمن، به ظاهر برخی افراد نگاه کرده و رفتار آنان

۱. منصوری، جواد، قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۲۲.

را از روی حسن ظن پی می‌گیرند. در دوران معاصر، نمونه‌های فراوانی از این جریان‌ها وجود دارد که نیازی به تفصیل نیست و هرازگاهی یکی از آنها رسوا می‌شوند.

### ۳. بی‌اعتنایی برخی خواص

بسیاری از جریان‌های انحرافی تا آن‌گاه که به انحرافات بزرگ دچار نشده و یا در عرصه‌های سیاسی وارد نشده‌اند، همواره مورد غفلت قرار می‌گیرند و با این توجیه که پرداختن آن‌ها سبب بزرگ‌تر شدن آن‌ها می‌شود یا این‌که یادی از آن‌ها نکنید تا خودبه‌خود از بین بروند، زمینه برای گسترش آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود. این بی‌توجهی، آن‌گاه مشکل‌آفرین‌تر می‌شود که این جریان‌ها به پایان راه خود رسیده‌اند و هواداران آن‌ها ضمن بدبینی به باورهای دینی، اعتماد خود را نیز نسبت به بزرگان از دست می‌دهند که چرا آن‌ها در هدایت مردم اقدامی نکردند.

متأسفانه، شواهد نشان می‌دهد یکی از شگردهای برخی جریان‌های انحرافی در این است که حساسیت چندانی را پدید نیاورند تا زمانی که فراگیر شده، هواداران فراوانی را فراهم کنند.

آلودگی و فساد در رسانه‌ها و به‌ویژه ماهواره سبب شده تا بسیاری از نیروهای مذهبی، تمایلی به بررسی کانال‌های آن نداشته باشند که این خود، حاشیه امنی را برای جریان‌های انحرافی در ادعاهای خود فراهم کرده است.

### ۴. جعل حکایات

در برخی از انحرافات، برای نگهداری هواداران خود، با چنگ‌زدن به برخی شگردهای روان‌شناختی، از جمله اعطای شخصیت دروغین، آن‌ها را در ادامه راه برای هواداری نگه می‌دارند؛ این‌که کسی در باره جلسه در عالم رؤیا چنین دیده است و یا در باره فلان شخص در خواب دیده که مورد عنایت اهل بیت علیهم‌السلام بوده و مانند آن، دام‌های فریبنده‌ای برای ادامه اغفال آن‌ها می‌گذارند.

متأسفانه، نمونه‌هایی از این حکایت‌آنقدر فراوان است که نیازی به یادکردن از آن‌ها نیست. از نمونه‌های روشن آن، ادعای برخی از سیدها (سید حسن ابطحی و کاظمینی

طباطبایی) در ملاقات با امام زمان است که در اعترافات خود گفته انگیزه ساختن این حکایت‌ها، جذب جوانان به امام زمان بوده است.<sup>۱</sup>

## راهکارهای جریان‌های انحرافی

### ۱. عقل‌گریزی و احساس‌گرایی

بی‌گمان، نگاه آگاهانه، نیاز پایه‌ای آموزه‌های دینی، به‌ویژه مهدویت است. عقل، به عنوان چراغ پرفروغی همواره راه را روشن می‌کند تا انسان به بیراهه کشیده نشود. آموزه‌های اسلامی پیوسته انسان‌ها را به خردورزی و بهره‌مندی از عقل سفارش و خردمندان را از والایی ویژه برخوردار دانسته است.

برخی از جریان‌های انحرافی، پیروان خود را به پرهیز از خردورزی و پیروی کامل از خود فرا خوانده، نگاه خردمندانه به مباحث را خارج از شئون پیروان خود می‌دانند. متأسفانه، این نوع نگاه در برخی لایه‌های جامعه در ضمن نگاه افراطی به عشق-ورزی محض به امام مهدی (علیه السلام)، مانع تأمل در مباحث پایه‌ای مهدویت شده و سبب رواج مباحث حاشیه‌ای گردیده است. برخی رسانه‌های گروهی نیز به این جنبه‌های احساسی به صورت افراطی دامن می‌زنند.

### ۲. درآمیختن حق و باطل

بی‌گمان، اگر جریان‌های انحرافی پایه کجی خود را بر باطل نهند، هرگز جز انسان‌ها گرد آن‌ها جمع نمی‌شوند. از این رو، برای فریب توده مردم، بخشی از حق را با بخشی از باطل در می‌آمیزند و خود را موجه جلوه می‌دهند.

درآمیختن مطالب درست با نادرست و حق با باطل، سبب می‌شود تا مخاطبان از مواجهه روشن و صریح با این جریان‌سازان پرهیز کنند. این مدعیان، به‌ویژه در ابتدای کار خود برای جلب اعتماد از باطل کمتر بهره می‌گیرند و زمانی که هواداران به طور کامل اعتماد پیدا کردند، از القای هر باطلی ابا ندارند.

۱. تصاویر اعترافات این افراد، امروزه در دسترس است.

### ۳. دور کردن مردم از مقام روحانیت

بر دوست و دشمن روشن است که روحانیت آگاه، به‌ویژه جایگاه والای مرجعیت، در دوام فرهنگ شیعی و دورکردن مردم از بیراهه‌ها در طول تاریخ نقش مهم و کلیدی داشته و دوری از روحانیت می‌تواند زمینه همواری را برای جولان جریان‌های انحرافی فراهم کند. از این رو، جریان‌سازان انحرافات تلاش می‌کنند تا مقام روحانیت و مرجعیت را در نگاه هواداران پایین آورده، آن‌ها را از گرد چراغ هدایت ایشان دور کنند. امام عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل کرده است که فرمود: «اگر نبود دانشمندانی که پس از غیبت قائم شما، به سوی او دعوت می‌کنند و به جانب او رهنمون می‌شوند و از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان را از دام‌های شیطان و مریدهای شیطانی نجات می‌دهند، احدی باقی نمی‌ماند، جز این که از دین خدا مرتد می‌شدند؛ ولی این دانشمندان، زمام دل ضعفا را به دست می‌گیرند؛ همان‌گونه که ملوان‌ها، زمام کشتی را به دست می‌گیرند و سرنشین‌های کشتی را از خطر مرگ حفظ می‌کنند. این‌ها نزد خدای متعال برترین هستند.»<sup>۱</sup>

از آن‌جا که جایگاه عالمان دین و فقها در حفظ دین در عصر غیبت جایگاه ویژه و مهمی است، به طور معمول مدعیان برای برداشتن این مانع به مقابله آشکار و پنهان با این مسأله پرداخته‌اند تا بتوانند پس از تضعیف پایگاه مردمی آنان، برای خود و ادعاهای خویش موقعیتی فراهم کنند، در این‌جا به نمونه‌ای از ادعاها و شگردهای عجیب یکی از مدعیان معاصر اشاره می‌کنیم:

آقای علی یعقوبی در یکی از سخنرانی‌های خود بر لزوم وجود فردی به نام «هادی» در این زمان (دهه ۸۰) سخن به میان می‌آورد (و نیز وقایع قبل و بعد از ظهور را مفصل بیان می‌کند) و در جلسه ۲۹ نظام بشر بیان می‌کند که الآن هادی در جامعه وجود ندارد و ما هم فقط سفره معانی باز کرده‌ایم؛ ولی بر پایه همین سلسله دروس «به سوی ظهور» که حاوی نفی اهمیت فقاقت و نیز حاوی ادعای ارتباط خاص با غیب و

۱. طبرسی، احتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۸ و ج ۲، ص ۴۵۵؛ صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم، مؤسسه السیّدة المعصومة (علیها السلام)، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۲۳.

ملکوت و... است، در واقع، خود را مصداق آن هادی معرفی می‌کند که مقامش در حد ائمه هدی می‌باشد.

وی حتی حوادث زلزله ترکیه (پس از حادثه کوی دانشگاه) و مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می‌دهد و می‌گوید ما از خدا خواستیم و او انجام داده؛ حتی در جایی به حضرت موسی هشدار می‌دهد که جلوی اسرائیلی‌ها را بگیر؛ وگرنه من خودم اقدام می‌کنم.

اطرافیان وی هم غافل از تناقضات موجود در کلام او (مثل، فایده انقلاب و علم و فقاقت یا بی‌ثمر بودن آن‌ها، وجود یا عدم وجود نایب خاص در زمان غیبت امام زمان و...) فریب کلام ظاهراً مستند او را خورده‌اند؛ اما با جمع‌بندی مطالب او و دقت علمی و دینی در آن‌ها، انحرافات روشن می‌شود؛ ولی پیروان با تکیه بر ظواهر و توهم تقویت شدن حس غیبی خود، چشم‌بسته مطالب او را پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. خرافه‌پردازی و عوام‌زدگی

مهدویت، زلال پاکی است که در گذر از مسیر تاریخ بیشترین طمع بدان شده است. طمع‌ورزی منحرفان، این زلال را دست‌خوش برخی خرافات کرده است. امروزه نه فقط از دامنه آن کم نشده که بر آن افزوده شده است. این پندار باطلی است که گفته می‌شود گسترش دانش، خرافه‌گرایی را ریشه‌کن کرده یا به حداقل رسانده است. کافی است انسان روزی را در بین توده مردم سپری کند و با آن‌ها هم‌سخن شود، آن‌گاه روشن خواهد شد که البته از خرافات ناآگاهانه دوره‌های پیشین کاسته و برخی خرافات متمدنانه رواج پیدا کرده است. البته شگرد ترویج خرافات، یکی از ابزار جریان‌های انحرافی است.

پیروی از جهل نادانان بی‌خرد نیز آسیبی است مهلک برای آموزه‌های دینی؛ آموزه‌هایی که به خردورزی و کسب آگاهی تأکید و سفارش کرده است. جریان‌های انحرافی در فهم و نقل خویش بسیار پیرو خرسندی و ناخرسندی عوام‌اند تا آنان را همواره گرد خویش نگه دارند.

۱. یعقوبی، علی، چهل شب با کاروان حسینی، شب اربعین، ۸۰/۲/۲۳.



## ۵. خودمرکزی و مریدپروری

در بیشتر جریان‌های انحرافی، جریان‌سازان همواره خود را به جای حقیقت، محور قرار داده، دیگران را فروتر از آن می‌پندارند که در رتبه آن‌ها قرار گیرند، از این رو، پیروان خود را از توجه به شخصیت‌های علمی، به‌ویژه دانشمندان علوم دینی برحذر می‌دارند؛ تا مبادا با رجوع به آنان، شیادی آن‌ها آشکار شود.

نمونه روشن این ویژگی، در جریان‌های منحرف معاصر، دورکردن افراد از تقلید و پیروی از مراجع تقلید است که با ایجاد شک و تردید در اصل تقلید و گاهی در اعتبار مراجع، پیروی از خود را برای آنان کافی می‌دانند.

اینان، بیشتر خود را دارای کرامات و توان‌مندی‌های فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهند و با این شگرد، همواره نوعی دل‌نگرانی در طرفداران خویش در گریز از اطراف‌شان پدید می‌آورند.

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که شمار قابل توجهی از جریان‌های انحرافی، از اعضا برای ارضای خواسته‌های خود در انواع مختلف بهره‌های وافری برده‌اند. اعترافات برخی سران جریان‌های انحرافی، در خصوص سوء استفاده‌های گوناگون از هواداران خویش، مانند استفاده جنسی، گواه روشنی بر این ویژگی است.

## ۶. سخنان چندپهللو و ادعاهای عجیب

تمسک به روایات سست، ساختگی و چندپهللو، از دیگر ویژگی‌های جریان‌سازان انحراف است. روایات نیز همچون آیات قرآن، دارای محکم و متشابه است. خداوند کسانی را که برای نیل به اهداف شیطانی خود آیات متشابه را دستاویز قرار می‌دهند، به شدت سرزنش کرده، آن‌ها را انسان‌هایی معرفی کرده که دل‌هایشان مریض شده است.<sup>۱</sup>

۱. آل عمران، آیه ۷: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ؛ او است کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آن‌ها اساس کتاب‌اند و [پاره‌ای] دیگر متشابهات‌اند [که تأویل‌پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی

افزون بر آن، از دیگر ویژگی‌های جریان‌سازان منحرف، برخی ادعاهای شگفت‌آور است که به‌ویژه نگاه جوانان را به خود جلب می‌کند و وقتی به روایات مراجعه می‌شود، اثری از این ادعاها به چشم نمی‌آید. از ادعای همسری امام زمان از برخی بانوان جریان‌ساز، تا طرح مباحثی چون ظهور صغرا پیش از ظهور و ملک کبیر هنگام ظهور و مانند آن را می‌توان از جمله این پندارها دانست.

بنابراین، از ویژگی‌های مهم عموم جریان‌های انحرافی، بهره‌مندی جریان‌سازان آن‌ها از گفتارهایی است که بر معانی گوناگونی قابل حمل است تا در مواقع گرفتاری با تفسیری گونه‌گون خود را رها کنند؛ به بیان دیگر، عدم صراحت در سخن و توسل به گفتارهای مبهم و گنگ است، به گونه‌ای که حتی برای برخی از طرفداران نیز غیر قابل فهم است.

#### ۷. سوء استفاده از وضعیت سیاسی و اجتماعی

از ویژگی‌های مهم جریان‌های انحرافی، بهره‌برداری از موقعیت‌های خاص سیاسی و اجتماعی است. نمونه برجسته آن بایبه و بهاییه است.

متأسفانه، پس از انقلاب باشکوه ایران اسلامی بدون پدیدآوردن ظرفیت‌های بایسته برای پاسخ به عطش برآمده برای فراگیری معارف و آموزه‌های دینی، همواره شعله این زیاده‌خواهی پرفروغ‌تر شده است. اگرچه تلاش دست‌اندرکاران تبلیغ و ترویج معارف دینی در مقایسه با دوره‌های پیش از آن رشد بسیار فراوانی را نشان می‌دهد، اما این هرگز به معنای پاسخ کامل و همه‌جانبه به نیازهای جامعه در این فراگیری نیست و این موضوع، بستر را برای افراد شیاد در فرآوری انحرافات و ادعاهای دروغین فراهم کرده است؛ به‌ویژه آن‌که دشمنان این انقلاب در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، دانشمندان بزرگی را از انقلاب گرفت.

#### ۸. بهره‌مندی از ویژگی‌های ظاهری

اگرچه گفته شده بسیاری از جریان‌سازان انحرافات دارای اختلالات روانی بوده و از تعادل شخصیتی در رنج هستند، اما برخی از این افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی

---

می‌کنند، با آن‌که تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.»

خاص هستند که به راحتی با آن دیگران را فریب می‌دهند؛ از جمله: کسوت به لباس روحانیت، سیادت، چهره‌ای مناسب، اخلاق خوش، برخورداری از بیان جذاب و تأثیرگذار و مانند آن.

## پیامدهای جریان‌های انحرافی

### ۱. تزلزل باورهای دینی

به نظر می‌رسد، مهم‌ترین پیامد این انحرافات، پدیدآوردن تزلزل در اعتقادات دینی و باورهای مذهبی افراد است که این خود گناه بزرگ و نابخشودنی است و مصداق تام «یصدون عن سبیل الله» است. کم نیستند افراد هوادار جریان‌های انحرافی که پس از مدتی، به کلی از دین سرخورده شده و همه دین را خرافه و دروغ می‌پندارند و پس از آن، به هیچ نیروی هدایتگری اعتماد نمی‌کنند.

### ۲. از بین بردن سرمایه‌های فکری

بی‌گمان، امروزه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بیش از هر زمان دیگر نیازمند بهره‌مندی از نیروهای فکری در عرصه‌های گوناگون است. از دست رفتن این نیروها در جریان‌های انحرافی و هدررفت توان فکری آن‌ها، خسارت بزرگی به پیروان اهل بیت علیهم‌السلام وارد می‌کند.

راهبرد رودررویی با جریان‌های انحرافی

بی‌شک، جریان‌های انحرافی در مهدویت، افزون بر تخریب باورهای اصیل و هویت دینی و فرهنگی جامعه، امنیت ملی را نیز به چالش می‌کشد. از این رو، علاوه بر راهکارهای فرهنگی و علمی، برخورد امنیتی و عملی نیز امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

علاقه‌مندان به مباحث اصیل مهدوی، در کنار تلاش در حفظ خویش و دیگران جهت در امان ماندن از ورود در جریان‌های انحرافی، باید تمام همّت خود را برای مقابله با این خطرات بزرگ به کار گیرند؛ به‌ویژه مسئولیت عالمان دینی در این زمینه، بس بزرگ و دارای اهمیت است.

## راه‌های مقابله با جریان‌های انحرافی

برای مقابله با این جریان‌ها دو نوع فعالیت باید انجام داد: «فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های عملی».

### الف. راه‌های علمی

#### ۱. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر

دانش، سرآغاز هر رفتار است. پیش‌تر گفته شد، نادانی از حقایق مهدویت، سببی پایه‌ای برای شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است. از این رو، نخستین گام برای رهایی از این جریان‌ها، افزایش آگاهی‌های معتبر است.

مهم‌ترین عرصه برای این فراگیری، تمسک به آیات قرآن و روایات معتبر معصومان علیهم‌السلام است. بنابراین، در بُعد علمی و شناختی باید دلسوزان در این عرصه به طور دقیق، علمی و کارشناسانه وارد صحنه شده، به وظایف خود به‌خوبی عمل کنند. القای این آگاهی‌ها در دو بُعد اساسی قابل تصور است: نخست، در معارف معتبر و اصیل مهدوی و آنگاه شناخت انحرافات، ویژگی‌ها و پیامدهای آن‌ها در این راه نورانی.

#### ۲. طراحی سامانه مهندسی جامع مهدویت

ناهمگونی و ناهماهنگی بین عناصر فرهنگ دینی، زمینه را برای رواج انحرافات پدید می‌آورد. نگاه سطحی، جزئی و جزیره‌ای به مباحث مهدویت، از عوامل مهم شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است. نگاه جامع و کلان به معارف مهدوی با یک سامانه مهندسی کلان از سوی متولیان فرهنگی، اعم از روحانیون و فرهنگیان، به صورت هماهنگ و حساب‌شده می‌تواند سد نفوذناپذیری در برابر شکل‌گیری این جریان‌ها و ادامه حرکت آن‌ها به شمار آید.

این سامانه از آن جهت اهمیت می‌یابد که شواهد حکایت از آن دارد که بسیاری از جریان‌هایی که به انحرافات بزرگ منجر می‌شوند، در آغاز راه چندان منحرف به چشم نمی‌خورند. از این رو، بسیاری از کسانی که در این کجراهه‌ها قرار می‌گیرند، به سبب انحراف کُند کمتر آن را احساس کرده، تا آن‌که باور این نکته که در بیراهه هستند، برای آن‌ها سخت است.

توجه به این نکته نیز دارای اهمیت است که تفاوت اساسی جریان‌های انحرافی در دوران معاصر نسبت به گذشته، بهره‌مندی آن‌ها از ابزار رسانه‌ای است که به نشر ناگهانی انحرافات کمک شایانی می‌کند؛ به‌ویژه آن‌که همنوایی آن‌ها با دشمنان سبب می‌شود تا بیگانگان مدد رسان خوبی برای این منحرفان باشند.

### ۳. ترویج خردورزی و پرهیز از خرافات

گفته شد که یکی از ابزار مهم جریان‌سازان انحراف، چنگ‌زدن به امور پنداری و خرافی است. در راهبرد رودرویی با این جریان‌ها، پافشاری بر خردمندانه بودن آموزه‌های مهدوی و بازشناخت آن‌ها بر پایه روایات معتبر است که می‌تواند حقایق بسیاری را آشکار سازد و راه را بر منحرفان ببندد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر جریان‌های انحرافی فاقد بنیان‌های قوی عقلی هستند. به همین دلیل، جریان‌سازان این حرکت‌ها هواداران خود را به پرهیز از امور عقلانی سفارش نموده و بیشتر آن‌ها را در پندار و خیال قرار می‌دهند. این موضوع، زمینه را برای مقابله خردمندانه در برابر آن‌ها فراهم می‌سازد.

خطر به دام افتادن در چنگال جریان‌های انحرافی، اگرچه بیشتر اقشار کم‌سواد و ساده‌جامعه را تهدید می‌کند، اما شواهد گواه آن است که پیچیدگی جریان‌های انحرافی معاصر در بسیاری از موارد سبب شده تا گروهی از انسان‌های فرهیخته و آگاه جامعه نیز فریب برخی جریان‌سازها را خورده، به انحراف کشیده شوند.

### ب. راه‌های عملی

#### ۱. افشاگری

بی‌گمان، بزرگی پیامدهای ناگوار این جریان‌های انحرافی، راه را بر هر کوتاهی و مدارا می‌بندد. این انحرافات، از مواد مخدر بدتر است؛ چرا که آن، جان آدمی را و این، روح انسان‌ها را نابود می‌کند و هرگز کسی به مدارا با عاملان آلوده‌شدن جوانان به مواد افیونی خرسند نخواهد بود.

از این رو، بر همگان، به‌ویژه قشر فرهیخته جامعه است تا با بهره‌مندی از فرصت‌های ممکن، به افشاگری این جریان‌ها پرداخته، به‌ویژه جوانان را از دام این انحرافات دور کنند.

## ۲. جلوگیری از فعالیت‌های انحرافی

در آن‌جا که خیرخواهی پاسخی به دنبال نداشت، بهترین گزینه رودررویی با جریان‌های انحرافی و برجیدن بساط انحراف آنان است.

برخی جریان‌های انحرافی، با پافشاری و از روی عمد و در ظاهر به دفاع از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری می‌پردازند تا در سایه این ادعا، خود را از تیررس نگاه و برخورد نیروهای امنیتی در حاشیه امن قرار دهند که البته این مسأله نیاز به تیزهوشی مسئولان امر را دوچندان می‌نماید.

### برخی انحرافات معاصر

#### ۱. ادعای ملاقات با امام زمان علیه السلام

یکی از آفت‌های مهمی که در عموم علاقه‌مندان به نسبت‌های متفاوت، آسیب ایجاد می‌کند، بحث ملاقات‌گرایی افراطی است. از پیامدهای ناگوار این آفت، پدید آمدن مدعیانی است که بی‌دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند یا کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از دیگر وظایف اساسی غافل شده و افراد را فقط به این عمل، به عنوان برترین وظیفه فرا می‌خوانند!

امروزه کم نیست محافل و مجالسی که تمام وقت خویش را صرف نقل این حکایت‌ها می‌کنند و از بحث‌های اساسی و بنیادین اندیشه مهدویت غفلت می‌ورزند. کمترین پیامد این آسیب، یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار، توهم‌گرایی و خیال‌پردازی، رویکرد به شیادان و مدعیان مهدویت، نیابت و مدعیان ملاقات، دور ماندن از انجام وظایف اصلی، به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار و بدبینی به امام علیه السلام به علت عدم دیدار است.

متأسفانه، پرداختن افراطی به بحث ملاقات و تشریفات باعث شده در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام، کتاب‌هایی نوشته شود و رواج فوق‌العاده‌ای یابد! این مجموعه‌ها پُر است از حکایت‌ها و داستان‌ها و مطالبی که بسیاری از آن‌ها نادرست و برخاسته از تصورات و خیال‌بافی‌های نویسندگان آن‌ها است! و ممکن است فقط در برخی از آن‌ها، شمه‌ای از حقیقت وجود داشته باشد.

رواج این‌گونه کتاب‌ها و حکایت‌ها، باعث شده که در بعضی مناطق کشور، شاهد به وجود آمدن جریان‌های انحرافی و حوادث و اتفاقات نابخردانه و عوام‌فریبانه و خرافی باشیم. البته از این رهگذر، برخی به خواسته‌های نفسانی خود دست یافته، افزون بر بهره‌های ناپایدار دنیایی، به شهرت‌هایی نیز می‌رسند. این آسیب، جویی را پدید می‌آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می‌کند و زمینه انحراف‌های فکری را فراهم می‌آورد! به دنبال آن، مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می‌یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام‌زدگان به نام تشیع ثبت گردیده و به دیگران انتقال می‌یابد و گاه عقیده‌ای که در اصل آن، تمام فرقه‌های اسلامی توافق دارند، به گونه‌ای مطرح شود که با اسلام واقعی، فرسنگ‌ها فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیش‌وران اسلامی و درست‌اندیشان و مصلحان، تنگ می‌کند.<sup>۱</sup>

نباید فراموش کنیم، کم نبودند کسانی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم‌السلام، به دیدار آن بزرگواران نائل می‌شدند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات‌ها نمی‌بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می‌شدند.

برای دوری از این آسیب‌ها، بایسته است افرادی که عهده‌دار انتقال این آگاهی‌ها هستند، از شایستگی‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت، در جهت مثبت تغییر دهند و این، مهم‌ترین و مؤثرترین گام برای نهادینه‌سازی فرهنگ مهدویت است.

## ۲. تعیین زمان ظهور

از آسیب‌های فرهنگ مهدویت، تعیین زمان برای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام است. در سخنان معصومان علیهم‌السلام نه فقط از این کار نهی شده، بلکه تعیین‌کنندگان وقت از دروغ‌گویان شمرده شده و دستور تکذیب آن‌ها صادر گردیده است؛ چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان علیه‌السلام بر بندگان مخفی بماند.

۱. ر.ک: جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه‌السلام قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش، ص ۳۵-۳۴.

وقتی چنین پرسشی از حضرت مهدی عج نیز مطرح شد، ضمن توقیعی پاسخ فرمود: «وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَكَذَبَ الْوَقَاتُونَ!»<sup>۱</sup> اما ظهور فرج، همانا در اختیار خداوند متعال است و وقت‌گذاران دروغ گفتند.»

این تعیین وقت، به گونه‌های مختلفی فرض می‌گردد و مثلاً گفته می‌شود: «در فلان روز از فلان ماه از فلان سال، پیش از رسیدن فلان سال، و یا جوان‌ها به طور قطع ظهور را درک می‌کنند.» متوسط عمر یک انسان اندازه‌ای دارد و وقتی گفته می‌شود: فلان سنین به طور حتم زمان ظهور را درک خواهند کرد، یعنی ظهور کمتر از سال متوسط عمر آن‌هاست. این‌ها و مانند آن، همه تعیین وقت ظهور بوده که در روایات از آن‌ها نهی شده است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، ایجاد ناامیدی پس از انقضای زمان مشخص است. بسیاری نابخردانه با تعیین زمان ظهور، امیدهای کاذبی را پدید آورده و پس از رسیدن زمان مورد نظر، با تحقق نیافتن ظهور، مشکلاتی ایجاد کرده‌اند! البته برخی نیز با مطرح کردن بحث «بدا» خواسته‌اند توجیهی دست‌وپا کنند که خود، سبب آسیب دوباره‌ای شده است!

### ۳. تطبیق نشانه‌های ظهور

بحث نشانه‌ها به دلیل جذاب بودن و این‌که به نوعی پیش‌گویی از حوادث آینده است، همواره مورد توجه علاقه‌مندان بوده است، به همین دلیل، همواره مورد طمع شیادان و بهره‌گیری نادرست ساده‌لوحان بوده است. اگرچه برخی با انگیزه‌های خوبی، به تطبیق بعضی از حوادث بر نشانه‌ها پرداخته‌اند، اما از پیامدهای ناگوار آن، مثل ایجاد امیدهای کاذب به نزدیک بودن ظهور، غافل هستند.

ریشه این آسیب را می‌توان در عواملی چون: پندارهای نادرست، دخالت افراد غیر متخصص در مطالب فنی، عدم روشنگری کافی توسط علما و نداشتن واکنش مناسب در مقابل مدعیان، جستجو کرد.

۱. طوسی، محمدبن الحسن، کتاب الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۱.



در محل خود ثابت شد که نشانه‌های قابل قبول، فقط نشانه‌های حتمی ظهور است؛ آن هم همزمان و پس از ظهور و بعضی از اموری که به عنوان نشانه مطرح می‌شود، - در روایات قابل قبول - ارتباطی با ظهور ندارد.

بنابراین، به‌روشنی می‌توان گفت تا کنون هیچ یک از نشانه‌های ظهور رخ نداده و تطبیق برخی از حوادث بر نشانه‌ها، غیر قابل قبول است.

به عنوان مثال، در بحث نشانه‌های ظهور، حوادث بزرگی چون انقلاب اسلامی ایران، جنگ هشت‌ساله میان عراق و ایران، برخی حوادث اخیر در جهان غرب و مانند آن، اگرچه می‌تواند به نوعی در ارتباط با ظهور تفسیر شود، اما انطباق آن به طور دقیق با برخی روایات، کاری بس مشکل می‌نماید.

مثال دیگر این‌که یکی از نویسندگان پس از ذکر روایاتی در باره سفیانی می‌نویسد: با نقل روایات یادشده به این نتیجه می‌رسیم که احتمال وجود دو سفیانی بعید نیست که نخستین سفیانی، همان‌گونه که در برخی از روایات به وجود حرف «شین» در نام او اشاره شده، همان «میشل افلق» رئیس حزب بعث «افلقی» عراق باشد و اگر نام او با صراحت در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیامده، به جهت پستی و حقارت او بوده است. البته روش اهل بیت علیهم‌السلام پیوسته چنین است که معمولاً کمتر کسی را به اسم یاد می‌کرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. شتاب‌زدگی در امر ظهور

از آسیب‌های دیگر، عجله و شتاب برای تحقق ظهور است که در روایات مورد نکوهش واقع شده است. شاید یکی از دلایل‌های نهی از عجله و شتاب‌زدگی در امر ظهور، آن است که به دنبال عجله، یأس و نومیدی در انسان منتظر، پدید می‌آید، آرامش و شکیبایی را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت اعتراض و شکایت تبدیل شده، از تأخیر ظهور بی‌قرار می‌شود و گاهی به انکار امام می‌رسد!

---

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام، پرهیزکار، قم، ۱۳۸۰ش، ص ۵۸؛ و نیز ر.ک: کورانی، علی، عصر ظهور؛ ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.

روشنگری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و نیز بیان آثار صبر و تسلیم و رضا، می‌تواند بخشی از این آسیب را از بین ببرد. همچنین، تذکر به این نکته مهم که انجام وظیفه و حرکت در این مسیر و شناخت امام و راه و مرام او است که می‌تواند تا حدودی در درمان این آفت مؤثر باشد.

### ۵. طرح مباحث غیر ضروری

از دیگر آسیب‌ها در عرصه مهدویت، کشاندن مباحث غیر ضروری و غیر مناسب برای مخاطبان است؛ محل زندگی حضرت، ازدواج، همسر، تعداد همسران و یا تعداد فرزندان، از مباحثی هستند که اذهان افراد را به خود مشغول ساخته و از مباحث مهمی چون: معرفت امام، وظیفه ما نسبت به امام، تبیین و ترسیم راهبردهای آینده و ارائه آن برای زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط ظهور، باز داشته است.

یک خطیب یا نویسنده زبردست باید با شناخت مخاطب، بحث مناسبی ارائه نموده، از بحث‌های غیر ضروری بپرهیزد. بی‌گمان، در فرهنگ ناب مهدوی، معارف فراوانی وجود دارد که پرداختن به آن‌ها یک ضرورت شمرده می‌شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم شیوه عملکرد آن‌ها در زمان غیبت، بسیار مهم است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، محصور کردن بحث مهدویت در چهارچوب تنگ مباحث سطحی و گاهی بی‌فایده، بازماندن از مباحث کاربردی و ضروری و بسترسازی برای ورود خرافات و سخنان بی‌دلیل و غیر مستند است. پس با طرح مباحث ضروری و بنیادین و قابل استفاده برای عموم مخاطبان، می‌توان ظرفیت‌های ناشناخته این بحث را در معرض استفاده جهانیان قرار داد.

### منابع:

۱. کلینی، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲. عبدالواحد آملی، غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۱۳۶۶ش.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۴. منصوری، جواد، قیام پانزده خرداد، به روایت اسناد ساواک، بی‌نام، بی‌تا.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۶. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، قم.